# ۱۵ سال حبس به جرم سرقت سفال شکسته

جیم فیتون، زمین‌شناس بازنشسته بریتانیایی به جرم سرقت چند قطعه سنگ و سفال شکسته از محوطه تاریخی اربیدو در عراق، با اعمال تخفیف در مجازات به ۱۵ سال حبس محکوم شـد. جیم فیتون که ۶۶ سـال دارد، چند ماه پیش در طی یک تورزمین‌شناسی و باستان‌شناسی در عراق، ۱۲ قطعه سنگ و تکه‌های سفال شـکسته را جمع‌آوری کرده بود.

آقای فیتون تأکید کرده است که او نمی‌دانست با این کار قوانین عراق را زیر پا می‌گذارد.

فیتون در ۲۰ مارس/ ۲۹ اسـفند ۱۴۰۰ در فرودگاه بغداد، همراه با فولکر والدمن تبعه آلمان، دستگیر شد. آنها براساس قانونی که در سال ۲۰۰۲ در عراق تصویب شد، متهم به «برداشـتن عمدی یا تلاش برای خارج‌کردن آثار باستانی از عراق» شدند. آقای والدمن از اتهامات مشابه آقای فیتون در دادگاه تبرئه شد. حداکثر مجازات برای سرقت آثار باستانی از عراق حکم اعدام است. قاضی دادگاه گفت: «به دلیل کهولت سن متهم، دادگاه تصمیم بـه تخفیف مجازات گرفت». مقامات عراقی گفته‌اند که این قطعات را می‌توان به عنوان آثار باسـتانی در نظر گرفت. چراکه قدمت آنها به بیش از ۲۰۰ سال می‌رسد. نائر مسعود، وکیل مدافع این شهروند ۶۶ساله بریتانیایی، گفته: «فکر می‌کردم بدترین وضعیت احتمالی ممکن یک سـال حبس تعلیقی باشـد». خانواده جیم فیتون تومار برای آزادی او تهیه کرده‌اند که بیش از صد هزار امضا دارد. سـفارت بریتانیا در بغـداد اظهارنظری درمورد این پرونده نکرده اسـت. کنسـول بریتانیا در دادگاه در روز دوشنبه حضور یافت، اما پس از صادرشـدن حکم، دادگاه را ترک کرد و با رسـانه‌ها سخن نگفت. وزارت خارجه بریتانیا پیش‌تر گفته بود که نمی‌تواند در روند قضائی کشور دیگری دخالت کند.

در مجموع ۱۲ قطعه کوچک که بیشـتر آنها سـفالی هسـتند، نزد فیتون پیدا شدند. بـه گفته خانواده فیتون، او تمام اینها را به عنوان یادگاری در طول سـفر خود به منطقه اربیدو در اسـتان ذی‌قار، واقع در جنوب عراق جمع کرده است. این منطقه باستان‌شناسی را بازمانده یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای تمدن جنوب بین‌النهرین می‌دانند؛ جنوبی‌ترین شـهر در مجموعه‌ای از شهرهای تمدن سومری که بابت معابد خشتی‌اش شهرت دارد. در افسـانه‌های سـومری، اربیدو را خانه «انکی»، خدای آب، دانش و خلقت می‌دانند که بعدها در مذهب عکادی‌ها و کنعانی‌ها با نام‌های دیگری چون «اِئا» و «ایا» شناخته شد.

حکـم زندان برای این شـهروند بریتانیایی در حالی صادر می‌شـود که اخیرا شـاهد متهم‌شدن مقام‌های عالی‌رتبه در این زمینه نیز بوده‌ایم. دادسـتانی فرانسه حدود دو هفته پیش اعلام کرد که مدیر سـابق موزه لوور پاریس متهم به مشارکت در جعل و پول‌شویی در جریان قاچاق آثار باسـتانی مصری در دهه اخیر شده اسـت. ژان لوک مارتینز، مدیر و رئیس لوور در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱، فعلا آزاد شده است و ادامه روند قضائی را انتظار می‌کشد؛ روندی که می‌تواند سال‌ها طول بکشد و شاید اصلا به محاکمه مارتینز هم نرسد. آقای مارتینز در حال حاضر سفیر رسمی فرانسه در موضوع همکاری بین‌المللی در زمینه میراث فرهنگی اسـت و در زمان حضـورش در لوور، به تلاش برای حفظ آثار باسـتانی در مناطـق جنگی معروف بود. از جمله آثاری که گفته می‌شـود در محور این تحقیقات جنایی قرار دارند، سـنگ بادبودی مربوط به توت‌عنخ‌آمون، فرعون افسانه‌ای مصر از قرن چهاردهم قبل از میلاد است که در موزه لوور ابوظبی قرار دارد. این موزه اما تاکید کرد که مطابق توافق بین ابوظبی و فرانسـه که در سـال ۲۰۰۷ امضا شده است، «لوور ابوظبی از یک پروتکل بین‌المللی در زمینه آثار هنری تبعیت می‌کند... که اکیدا مطابق با کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو اسـت و از مقیدترین موازین موزه‌های عمده جهان پیروی می‌کند».

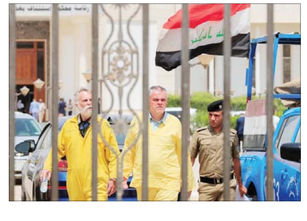

# تبارشناسی «انسان خردمند» در جنوب شرق آسیا

جزایر والاسـیا با آب‌های پرعمق از آسیا و اقیانوسیه منفک شده است. بااین‌حال، این جزایر کرامـبری مسـیری برای مهاجرت انسـان خردمند (Early modern human) به ناحیه پلیسـتوسن استرالیا، گینه‌نو یا ساهول (یک قاره پیشاتاریخی که سرزمین‌های امروزی اسـترالیا، گینه‌نو، تاسـمانی و جزایر آرو را در بر می‌گرفت) بوده است و دست‌کم ۴۷ هزار سال است که خانه گروه‌های انسان خردمند محسوب می‌شود.

انسان خردمند احتمالا برای نخسـتین بار قبل از رسیدن به ساهول از والاسیا عبور کرده است که نخسـتین تاریخ قطعی آن ۴۲ هزار سال پیش تخمین زده می‌شود.

سوابق باستان‌شناسی نشان‌دهنده یک کنار فرهنگی عظیم در سراسر والاسیاست که از حدود سـه‌هزارو ۵۰۰ سال پیش آغاز شد و با گسترش کشاورزان آسترونزیایی‌زبان که با گروه‌های شـکارچی محلی درآمیختند، مرتبط اسـت. این اتفاق پس از یک دوره طولانی انزوای انسان خردمند رخ داد. بااین‌حال، مطالعات ژنتیکی قبلی که روی ساکنان امروزی انجام گرفت، تاریخ‌های متناقضی را برای این درآمیختگی به دست آورده که از هزارو صد تا نزدیک به پنج هزار سال پیش متغیر است.

گروه‌های آسـترونزیایی‌زبان با تجهیز بـه فناوری‌های جدید دریانوردی و کشـاورزی احتمالا بین چهار هزار تا چهارهزارو ۵۰۰ سال پیش گسترش یافتند.

برای روشـن‌کردن جزئیات این کـسـترش و فعل و انفعالات انسـانی ناشی از آن، یک تیم بین‌المللی از محققان- دی‌ان‌ای ۱۶ فرد باسـتانی از جزایر مختلف در والاسیا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند که میزان داده‌های ژنومی باستانی این منطقه را به میزان زیادی افزایش داد.

ساندرا اولیویرا، یکی از نویسندگان اصلی این مطالعه می‌گوید: «ما تفاوت‌های درخور توجهی را بین مناطق والاسیا یافتیم و به طور شگفت‌انگیزی فهمیدیم تبار افراد باستانی جزایر جنوبی را نمی‌توان به‌سـادگی با آمیختگی بین گروه‌های مرتبط با آسترونزی و پاپوآ توضیح داد».

توضیح مترجم: آسترونزی اشـاره به سـرزمین مادری مردمان آسترونزیایی دارد که در جنوب شـرقی آسیا و اقیانوسیه سـاکن هسـتند و ویژگی آنها صحبت‌کردن به خانواده‌ای از زبان‌های آسترونزیایی اسـت.

این مطالعه همچنین رابطه نزدیک‌تری را بین تبار آسترونزی افراد باستانی از والاسیای شـمالی و اقیانوس آرام در مقایسه با افراد والاسیای جنوبی نشان داده است. الگویی که با شـواهد زبانی مطابقت دارد. علاوه بر این، زمان آمیختگی ژنتیکی آسـیایی-پاپوآیی را روشن کرد.

این گروه تحقیقاتی به شباهت‌های ژنتیکی بین والاسیان‌های باستانی تازه گزارش‌شده و افرادی که قبل از دوران پیش از نوسـنگی در سولاوسی جزیره دیگری در والاسیا ساکن بودند، پرداختند.

کوزیمو پسـت، یکی دیگر از نویسـنده‌های ارشـد این مطالعه می‌گوید: «همه افراد والاسـیایی که در این مطالعه توالی‌یابی شدند، بیشتر شـبیه به گروه‌های کینه‌نو امروزی هسـتند. این موضوع نشان می‌دهد این دو منطقه در دوران باستان بیشتر از آنچه قبلا تصور می‌شد به هم مرتبط بودند».

نتایج این تحقیق در مجله نیچر اکولوژی اند اولوشـن (اکولوژی و تکامل طبیعت) منتشر شده است.

# تأثیر هنر ساسانی بر هنر و معماری اسلامی

**محمدرضا نسـب‌عبداللهی: باستان‌شناسان و محققان برپایه شواهد باستان‌شناختی بر این باور هستند که اگر هنر ساسانی را از هنر اسلامی حذف کنیم، تقریبا چیز زیادی از هنر اسـلامی باقی نمی‌ماند. به‌عنوان نمونه نوع معماری مسـاجد و گنبدها در واقع برگرفته از هنر و معماری سـاسـانی است که در دوره اسلامی تداوم یافته. بسیاری اعتقاد دارند گنبدهایی که در مساجد داریم، همان گنبدهایی است که در چهارطاقی‌های ساسانی وجود داشته. دکتر یعقوب محمدی‌فر، باستان‌شناس و عضو هیئت علمی دانشـگاه بوعلی سینای همدان، در مصاحبه‌ای با «شرق» جزئیات بیشتری درخصوص تأثیر هنر ساسانی بر معماری اسلامی بیان کرده که در ادامه می‌خوانید.**

**◆ آقـای دکتر محمدی‌فر برای ورود به گفت‌وگو در ابتـدا جزئیاتی از ویژگی‌های شاخص و مهم معماری و هنر دوره اشکانی (پارت‌ها) را بیان کنید.**

پارت‌ها قومی اسـت که مرکزش در منطقه شاخته‌شـده آن روز بـوده و در ترصد مورخان اسلامی درمورد آنها زیاد صحبت کردند و بنا به نظرهایی که وجود دارد، در سالنامه‌های آشوری، یعنی حدود قرن هفت قبل از میلاد، دریکی از سالنامه‌ها به اسم «سالنامه «آسار حدون» به پارت‌ها اشاره شده و آنجا بیان شده که در میان اسرایی که داشـته دو نفرشان به اسم زان‌آسا و اوپیس از اهالی «پارتاکا» بودند و این جنگ در حدود ۶۷۳ قبل از میلاد اتفاق افتاده است.

بعد از آن اگر بخواهیم به پارت‌ها اشـاره کنیم، قدیمی‌ترین اشارت به پارت‌ها در کتیبه بیسـتون و لوح بزرگ داریوش در بیستون اسـت. الواحی که هم در تخت جمشـید داریم، بار به پارت‌ها اشـاره کرده اسـت. داریوش در بیستون می‌گوید: «پـارت و هیرکانیه بر من شـوریدند» و در همین بند اسـت که از کتیبه بیسـتون می‌گوید: «اینهابند کشورهایی که به فرمان من آمدند و به خواست اهورامزدا، من بر آنها شـاهم» که داریوش آنجا به «پارتوا» و «پارتوا» و «پارتیه» و ناحیه شـرقی اشاره می‌کند. به هر حال این اشارائی است که ما داریم.

در مباحـث چینی بـه پارت‌ها «آن-سی» گفته شـده. البتـه «آن-شی» هم می‌گویند؛ ولی بیشـتر آن-سی‌ها و بعضی‌ها هم معتقدنـد این آن-سی‌ها همان «آس‌ها» یا همان «آلان»ها هستند که به هر حال در منابع چینی ذکر شده است. در سـانسکریت و ایغوری هم به صورت «آر-سی» و در خنتی به اسم «آنکی» و شاید «اکنی» و باز سانسکریت به اسم «آرس‌ها» اشاره می‌شود.

بـه گفته خانواده فیتون، او تمام اینها را به عنوان یادگاری در طول سـفر خود به منطقه اربیدو در اسـتان ذی‌قار، واقع در جنوب عراق جمع کرده است. این منطقه باستان‌شناسی را بازمانده یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای تمدن جنوب بین‌النهرین می‌دانند؛ جنوبی‌ترین شـهر در مجموعه‌ای از شهرهای تمدن سومری که بابت معابد خشتی‌اش شهرت دارد. در افسـانه‌های سـومری، اربیدو را خانه «انکی»، خدای آب، دانش و خلقت می‌دانند که بعدها در مذهب عکادی‌ها و کنعانی‌ها با نام‌های دیگری چون «اِئا» و «ایا» شناخته شد.

حکـم زندان برای این شـهروند بریتانیایی در حالی صادر می‌شـود که اخیرا شـاهد

غربی‌ها از حدود ۲۲۰ قبل از میلاد، ما نقشـه‌هایی که داریم، اشاره‌ای به چین نشده؛ اما هندوستان را می‌شناسند. قسمت‌های عمده هندوستان گرفته می‌شود.

کل شـمال افریقـا و مصر که منافق شاخته‌شـده آن روز بـوده و در ترصد هخامنشـیان بوده، به تصرف یونانی‌ها درمی‌آید و اسـکندر یک رابـط را دارد که ما یک وحدت جهانـی را در هنر، عقیده و مذهب ایجاد کنند. قبل از میلاد، دریکی از سالنامه‌ها به اسم سالنامه «آسار حدون» به پارت‌ها اشاره شده و آنجا بیان شده که در میان اسرایی که داشـته دو نفرشان به اسم زان‌آسا و اوپیس از اهالی «پارتاکا» بودند و این جنگ در حدود ۶۷۳ قبل از میلاد اتفاق افتاده است.

بعد از آن اگر بخواهیم به پارت‌ها اشـاره کنیم، قدیمی‌ترین اشارت به پارت‌ها در کتیبه بیسـتون و لوح بزرگ داریوش در بیستون اسـت. الواحی که هم در تخت جمشـید داریم، باز به پارت‌ها اشـاره کرده اسـت. داریوش در بیستون می‌گوید: «پـارت و هیرکانیه بر من شـوریدند» و در همین بند اسـت که از کتیبه بیسـتون می‌گوید: «اینهابند کشورهایی که به فرمان من آمدند و به خواست اهورامزدا، من بر آنها شـاهم» که داریوش آنجا به «پارتوا» و «پارتوا» و «پارتیه» و ناحیه شـرقی اشاره می‌کند. به هر حال این اشارائی است که ما داریم.

در مباحـث چینی بـه پارت‌ها «آن-سی» گفته شـده. البتـه «آن-شی» هم می‌گویند؛ ولی بیشـتر آن-سی‌ها و بعضی‌ها هم معتقدنـد این آن-سی‌ها همان «آس‌ها» یا همان «آلان»ها هستند که به هر حال در منابع چینی ذکر شده است. در سانسکریت و ایغوری هم به صورت «آر-سی» و در خنتی به اسم «آنکی» و شاید «اکنی» و باز سانسکریت به اسم «آرس‌ها» اشاره می‌شود.

بـه گفته خانواده فیتون، او تمام اینها را به عنوان یادگاری در طول سـفر خود به منطقه اربیدو در اسـتان ذی‌قار، واقع در جنوب عراق جمع کرده است. این منطقه باستان‌شناسی را بازمانده یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای تمدن جنوب بین‌النهرین می‌دانند؛ جنوبی‌ترین شـهر در مجموعه‌ای از شهرهای تمدن سومری که بابت معابد خشتی‌اش شهرت دارد. در افسـانه‌های سـومری، اربیدو را خانه «انکی»، خدای آب، دانش و خلقت می‌دانند که بعدها در مذهب عکادی‌ها و کنعانی‌ها با نام‌های دیگری چون «اِئا» و «ایا» شناخته شد.

حکـم زندان برای این شـهروند بریتانیایی در حالی صادر می‌شـود که اخیرا شـاهد

**◆ آقـای دکتر محمدی‌فر برای ورود به گفت‌وگو در ابتـدا جزئیاتی از ویژگی‌های شاخص و مهم معماری و هنر دوره اشکانی (پارت‌ها) را بیان کنید.**

پارت‌ها قومی اسـت که مرکزش در منطقه شاخته‌شـده آن روز بـوده و در ترصد هخامنشـیان بوده. به تصرف یونانی‌ها درمی‌آید و اسـکندر یک رابـط را دارد که ما یک وحدت جهانـی را در هنر، عقیده و مذهب ایجاد کنند. قبل از میلاد، دریکی از سالنامه‌ها به اسم سالنامه «آسار حدون» به پارت‌ها اشاره شده و آنجا بیان شده که در میان اسرایی که داشـته دو نفرشان به اسم زان‌آسا و اوپیس از اهالی «پارتاکا» بودند و این جنگ در حدود ۶۷۳ قبل از میلاد اتفاق افتاده است.

بعد از آن اگر بخواهیم به پارت‌ها اشـاره کنیم، قدیمی‌ترین اشارت به پارت‌ها در کتیبه بیسـتون و لوح بزرگ داریوش در بیستون اسـت. الواحی که هم در تخت جمشـید داریم، باز به پارت‌ها اشـاره کرده اسـت. داریوش در بیستون می‌گوید: «پـارت و هیرکانیه بر من شـوریدند» و در همین بند اسـت که از کتیبه بیسـتون می‌گوید: «اینهابند کشورهایی که به فرمان من آمدند و به خواست اهورامزدا، من بر آنها شـاهم» که داریوش آنجا به «پارتوا» و «پارتوا» و «پارتیه» و ناحیه شـرقی اشاره می‌کند. به هر حال این اشارائی است که ما داریم.

در مباحـث چینی بـه پارت‌ها «آن-سی» گفته شـده. البتـه «آن-شی» هم می‌گویند؛ ولی بیشـتر آن-سی‌ها و بعضی‌ها هم معتقدنـد این آن-سی‌ها همان «آس‌ها» یا همان «آلان»ها هستند که به هر حال در منابع چینی ذکر شده است. در سانسکریت و ایغوری هم به صورت «آر-سی» و در خنتی به اسم «آنکی» و شاید «اکنی» و باز سانسکریت به اسم «آرس‌ها» اشاره می‌شود.

بـه گفته خانواده فیتون، او تمام اینها را به عنوان یادگاری در طول سـفر خود به منطقه اربیدو در اسـتان ذی‌قار، واقع در جنوب عراق جمع کرده است. این منطقه باستان‌شناسی را بازمانده یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای تمدن جنوب بین‌النهرین می‌دانند؛ جنوبی‌ترین شـهر در مجموعه‌ای از شهرهای تمدن سومری که بابت معابد خشتی‌اش شهرت دارد. در افسـانه‌های سـومری، اربیدو را خانه «انکی»، خدای آب، دانش و خلقت می‌دانند که بعدها در مذهب عکادی‌ها و کنعانی‌ها با نام‌های دیگری چون «اِئا» و «ایا» شناخته شد.

حکـم زندان برای این شـهروند بریتانیایی در حالی صادر می‌شـود که اخیرا شـاهد

غربی‌ها از حدود ۲۲۰ قبل از میلاد، ما نقشـه‌هایی که داریم، اشاره‌ای به چین نشده؛ اما هندوستان را می‌شناسند. قسمت‌های عمده هندوستان گرفته می‌شود.

کل شـمال افریقـا و مصر که منافق شاخته‌شـده آن روز بـوده و در ترصد هخامنشـیان بوده. به تصرف یونانی‌ها درمی‌آید و اسـکندر یک رابـط را دارد که ما یک وحدت جهانـی را در هنر، عقیده و مذهب ایجاد کنند. قبل از میلاد، دریکی از سالنامه‌ها به اسم سالنامه «آسار حدون» به پارت‌ها اشاره شده و آنجا بیان شده که در میان اسرایی که داشـته دو نفرشان به اسم زان‌آسا و اوپیس از اهالی «پارتاکا» بودند و این جنگ در حدود ۶۷۳ قبل از میلاد اتفاق افتاده است.

بعد از آن اگر بخواهیم به پارت‌ها اشـاره کنیم، قدیمی‌ترین اشارت به پارت‌ها در کتیبه بیسـتون و لوح بزرگ داریوش در بیستون اسـت. الواحی که هم در تخت جمشـید داریم، باز به پارت‌ها اشـاره کرده اسـت. داریوش در بیستون می‌گوید: «پـارت و هیرکانیه بر من شـوریدند» و در همین بند اسـت که از کتیبه بیسـتون می‌گوید: «اینهابند کشورهایی که به فرمان من آمدند و به خواست اهورامزدا، من بر آنها شـاهم» که داریوش آنجا به «پارتوا» و «پارتوا» و «پارتیه» و ناحیه شـرقی اشاره می‌کند. به هر حال این اشارائی است که ما داریم.

در مباحـث چینی بـه پارت‌ها «آن-سی» گفته شـده. البتـه «آن-شی» هم می‌گویند؛ ولی بیشـتر آن-سی‌ها و بعضی‌ها هم معتقدنـد این آن-سی‌ها همان «آس‌ها» یا همان «آلان»ها هستند که به هر حال در منابع چینی ذکر شده است. در سانسکریت و ایغوری هم به صورت «آر-سی» و در خنتی به اسم «آنکی» و شاید «اکنی» و باز سانسکریت به اسم «آرس‌ها» اشاره می‌شود.

بـه گفته خانواده فیتون، او تمام اینها را به عنوان یادگاری در طول سـفر خود به منطقه اربیدو در اسـتان ذی‌قار، واقع در جنوب عراق جمع کرده است. این منطقه باستان‌شناسی را بازمانده یکی از قدیمی‌ترین شـهرهای تمدن جنوب بین‌النهرین می‌دانند؛ جنوبی‌ترین شـهر در مجموعه‌ای از شهرهای تمدن سومری که بابت معابد خشتی‌اش شهرت دارد. در افسـانه‌های سـومری، اربیدو را خانه «انکی»، خدای آب، دانش و خلقت می‌دانند که بعدها در مذهب عکادی‌ها و کنعانی‌ها با نام‌های دیگری چون «اِئا» و «ایا» شناخته شد.

حکـم زندان برای این شـهروند بریتانیایی در حالی صادر می‌شـود که اخیرا شـاهد

**◆ تأثیر هنر و معماری اسـلامی از کدام یک از تمدن‌ها و پادشـاهی‌های دوران باستان می‌توان دید؟**

ویژگـی‌ای که در واقع در هنر اشـکانی وجـود دارد همـان معماری خاص، پلان‌های خاص که ما داریم از شـرق که در کشور ترکمنستان و افغانستان فعلی باشد تا سوریه در غرب، ما این تأثیرات هنری را داریم.

در شـهر «دورا اروپوس»، در واقع «دورا اروپوس و همچنین در شهر بالمیرا که ایشان دو سوریه هستند، در اتاق‌هایی که دیگر ما وقتی از «کنسقور» که به زبان هنـد و پـیش از آن اسـم «سـلوکیه» را که ما این می‌دهند، یونانی‌ها این را به اسم سـلوکیه ایجاد می‌کنند؛ بعدا اشکانیان این را توسعه می‌دهند و در نزدیکی اینجا شهر تسـفون را داریم.

این دل ایران‌شـهر هست. مخصوصا در دوره سـاسانی این واژه ایران‌شهر، دل ایران‌شهر محسوب می‌شود. یعنی ایران‌بوست که بکوییم امروز یک کشور خاص شده به اسم عراق. این محدوده کاملا تأثیر خودشان را داشتند.

از لحاظ شـیوه‌های هنری، تمام زخم‌هایی که در سـبک‌ها هست در زمینه کج‌بری‌ها، ملل سـنا گچ‌بری‌هایی که در قلعه یزدگرد دارند و منسوب به این دوره اسـت، یک تأثیراتی را هم یونانی، یک تأثیراتی از هنر قدیمی ایران و هنر شرقی و حتی تمدن‌های بین‌النهرین را در برخی از کج‌بری‌ها می‌توانید ببینید.

بنابراین اشـکانیان هم تأثیـر گرفتند هم تأثیر دادند. کج‌بـری، هنر آجرکاری و کوشواره‌ها با جزری که فضای چهارضلعی، در واقع مربع را تبدیل به دایره می‌کند در خوه خواجه داریم که به هر حال این معروف اسـت و همه این را می‌شناسند.

این ویژگی عمده‌ای اسـت که در دوره اشـکانی دارد. سـتون‌های زیادی در دوره هخامنشـی داشتیم که حذف می‌شود؛ به جایشان ایوان‌هایی می‌آید که این ایوان‌ها با طاق‌های آهنگ پوشـیده شده و شـما هنوز نقشه عالی‌اش را ببعد در دوره ساسانی در «ایوان کسری» می‌بینید که به هر حال زمان‌زده هست و همه است و می‌شناسند.

زمینه‌های این را باید در معماری اشـکانی جسـت‌وجو کـرد، به جهت اینکه معماری اشکانی تغییرات جزیی نسبت به معماری هخامنشی دارد.

معماری هخامنشی بیشتر از سـنگ بود، مصالح رسمی بود، جنگلی از ستون را در بناها می‌توانیم ببینیم؛ مخصوصا بناهای رسـمی و شـاهی. اما اشـکانیان شـیوه‌های خاص خودشـان را به کار می‌گیرند و به هر حال ایـوان که نمادی از شـکوه و عظمت اسـت و در واقع با خدمات هنـری مـتنوع و فراگرفتن حاکم یا پادشاه در انتهای ایوان یک جلال و شکوهی را به آن درباز می‌دهد و به هر حال از لحاظ ابعاد و مصالحی که بوم‌آور اسـت، چون هر جا حجر آجر و خشت را خیلی راحت‌تر می‌شود در همه جا ایجاد کرد و این یکی از شاخصه‌های اشکانی است.

کاربرد کنـده اسـتفاده از گچ، کج‌بری، کاربرد کنـده نقاشی در بناها و اینها اتفاقی است که در معماری دوره اشکانی می‌افتد.

**◆ تأثیر هنر و معماری اشـکانی بر ار کدام یک از تمدن‌ها و پادشـاهی‌های دوران باستان می‌توان دید؟**

ویژگـی‌ای که در واقع در هنر اشـکانی وجـود دارد همـان معماری خاص، پلان‌های خاص که ما داریم از شـرق که در کشور ترکمنستان و افغانستان فعلی باشد تا سوریه در غرب، ما این تأثیرات هنری را داریم.

در شـهر «دورا اروپوس»، در واقع «دورا اروپوس و همچنین در شهر بالمیرا که ایشان دو سوریه هستند، در اتاق‌هایی که دیگر ما وقتی از «کنسقور» که به زبان هنـد و پـیش از آن اسـم «سـلوکیه» را که ما این می‌دهند، یونانی‌ها این را به اسم سـلوکیه ایجاد می‌کنند؛ بعدا اشکانیان این را توسعه می‌دهند و در نزدیکی اینجا شهر تسـفون را داریم.

این دل ایران‌شـهر هست. مخصوصا در دوره سـاسانی این واژه ایران‌شهر، دل ایران‌شهر محسوب می‌شود. یعنی ایران‌بوست که بکوییم امروز یک کشور خاص شده به اسم عراق. این محدوده کاملا تأثیر خودشان را داشتند.

از لحاظ شـیوه‌های هنری، تمام زخم‌هایی که در سـبک‌ها هست در زمینه کج‌بری‌ها، ملل سـنا گچ‌بری‌هایی که در قلعه یزدگرد دارند و منسوب به این دوره اسـت، یک تأثیراتی را هم یونانی، یک تأثیراتی از هنر قدیمی ایران و هنر شرقی و حتی تمدن‌های بین‌النهرین را در برخی از کج‌بری‌ها می‌توانید ببینید.

بنابراین اشـکانیان هم تأثیـر گرفتند هم تأثیر دادند. کج‌بـری، هنر آجرکاری و





بـاز تأثیر هنر یونان را بـه صورت جدی می‌توانید ملاحظـه بفرمایید؛ مهرهایی و سکه‌هایی که داریم و به هر حال کارهایی که هست و بعد از آن خوب به هر حال در سایت‌های دیگر هم این اتفاق تکرار می‌شود؛ ازجمله در «منصور تپه» که در سـال‌های اخیر در نزدیکی هفت کیلومتری تسا کاوش شده، مربوط به یک فضای دیوار دفاعی است که احتمالا مربوط به مردم عمومی است.

ایجاد اطلاعاتی است که ما داریم و آهسته‌آهسته این شکل از کارها ادامه پیدا می‌کند و در حدود ۱۵۰ قبل از میلاد که اشـکانیان، ۱۲۸، به این ایران می‌رسـند، همدان را فتح می‌کنند و دروازه بین‌النهرین را می‌توانند باز کنند؛ یعنی چه؟

یعنی که می‌توانند به سـمت بین‌النهرین بروند و میراث‌دار هخامنشیان بشوند؛ هرچند خودشان را میراث‌دار هخامنشیان می‌دانستند، بنابراین سعی می‌کنند در خیلی از ویژگی‌های هنری خودشان را متأثر کنند از هخامنشیان.

همان‌طور که می‌دانید اشـکانیان دارای سـیستم ملوک‌الطوایفی بودند. در سیستم ملوک‌الطوایفی اصطلاحا، نوع خاصی از قدرال، حال قدرال خیلی پیشرفته است، مربوط به دولت‌های امروزی است؛ اما نوع خاصی داشتند و اختیاراتی که به قلمرو خودشـان می‌دادند و بخش‌هایی می‌دادند، ولی در شیوه‌های معماری به طور مثال معماری منصور یا «ابوقور» در عراق، یا «خوره»، «خوره» ایران، یا «کاخ نیپور» و یا بنایی که به‌تازگی در «اسـیار موت» در کیلانغرب پیدا شـده کوپا یک سبک معماری است که یک حیاطی در جلو داریم برای نخستین قدم‌ها در زمینه ایوان هست یک ایوان در جلو دارند و یک‌سری فضاهایی، یک فضای چهارکوش در قسمت پشت ایوان دارند که اتاق‌های اطراف این را احاطه کرده است.

به طور مثال در نسا استروکاها را داریم؛ یعنی در واقع سفال‌هایی که روی آنها نوشـته می‌شده که به هر حال به تاسـی از همان هخامنشیان است. می‌دانید که ما بایگانی عظیمی را در دوران هخامنشـی داریم؛ بنابراین اشکانیان به همین شکل این را ادامه می‌دهند.

فضاهایـی که بناهایی که داریم، نزدیک بنای خاص را در نسـا داریم و در اینجا بنای خاک - معبدی داریم که سـتون‌دار است. با ستون‌های شبدری. برج معبد داریم، خود معبد داریم و یک معبد قرمزرنگ با معبد سـرخ‌رنگی که اخیرا در کاوش‌های هیئت ایتالیایی در سـال‌های اخیر پیدا شده. قسمت عمده این در همان مرحله اول، ۱۹۲۸ میلادی دوهزارو - ۸۰۰ سفال‌نوشته به زبان آرامی در بایگانی اشـکانیان دوره تاکسـان‌های شاهنشـاهی در اطراف نسا و بحث تاکداری و انگوهرچینی و انارکاری و تخمیر صحبت شده است.

این نکته مهمی است که نشان می‌دهد که به هر حال اشکانیان به این موضوع خیلی‌خیلی توجه داشتند. شهر مرو هم به همین شکل، همین ویژگی‌ها را دارد و در واقع همین سنت‌ها را ادامه می‌دهد.

مـا صدها المان هخامنشـی و هنر ایرانی را در نسـا داریم که آهسـته‌آهسـته زنده می‌کند؛ ازجمله بناهای ایوان‌دار با سـتون و اشـکال سنگی، ولی در کنارش







پلان‌های خاص معماری فراگیر می‌شود.

نکته دیگری اینجا ویژگی‌هایی است که در کل منطقه باب هست و بعد از آن خوب به هر حال تأثیرات جدی که دارند در واقع ما باید اینجا این موضوع را مدنظر بگیریم که رود فرات می‌شود حد فاصل بین اشکانیان و رومی‌ها. امپراتور رومی قدرتمند می‌شود که بنای چهارایوانی است یعنی چهار ایوان عمده هست. هرچند آن نظم کامل را ندارد اما به عنوان اولین بنای چهارایوانی مطرح شد.

از نظـر مصالح هم ما در دوره سـاسانی خشـت خام را داریم کـه به عنوان بیشترین مصالح استفاده می‌شـده؛ در «کاخ دامغان»، «خانه ارباب»، «چغاآباد، در شـهر کیش در جنوب عراق، در تیسفون اسـتفاده از آجر را داریم و استفاده از طاق و کاربرد را.

«ایوان کرخه» در دزفول، «تخت سـلیمان» را داریـم در آذربایجان در جنوب دریاچـه ارومیه، در تیسـفون و به هر حال آجرهایی که به عنوان تزیین اسـتفاده می‌شـده، همه اینها را داریم.

به عنوان مثال در قلعه‌دختر که از ترکیبات آجری اسـتفاده شـده. مصالح این دوره هم کمقیش از گچ اسـتفاده شـده و دیگر مصالح بوم‌آور. در دوره سـاسانی بسیاری اعتقاد دارند که در چندین محل از جمله در بیشـاپور، تخت سـلیمان، کازئرون، طاق کرا، بایی کولی در شـمال در اقلیم کردسـتان فعلی، در این محل‌ها ما سـنگ‌های قالبی تراش‌خورده را داریم که هنوز داریم؛ بنابراین دوباره اینها توسـط سنگ‌تراشـان رومی که البته وقتی رومی‌ها می‌کوبیم بیشتر شما سوریه را مدنظر قرار بدهید. بخش‌هایی از سوریه در اختیار ایران بوده و بخش‌های دیگر در اختیار روم بوده و اینها متأثر بودند از این داستان.

بنابراین ایـن نکته‌ای اسـت که درمـورد تأثیرات اشـکانیان نشـان می‌دهد که بسـیار اهمیت داشـتند و به عنوان یـک منابع جدی در مقابل توسـعه‌طلبی رومی‌ها ایسـتادند. رومی‌ها در این دوران جایگزین یونانی‌ها شـده بودند و به هر حال آهسـته‌آهسـته سلوکیان هم این وسط حذف شـدند، اینها همسایه شدند با اشکانیان. که البته آنها را بیشتر «پارتیان» نام‌گذاری می‌کنند. امروز در ادبیات غرب اشکانیان که کار نمی‌رود. بیشـتر کلمه «پارتین» را به کار می‌برند بیشتر آن قبیله و جغرافیائیـان را و ما اشکانیان، به جهت سلسـله و سـلاله پادشاهی این اسم را نام‌گذاری می‌کنیم.

بسیاری اعتقاد دارند اگر مسـجدت نمی‌آمد شـاید امروز دیـن آنها در واقع میتراییسـم بود و این دست تعاملات و در واقع قدرت نفوذ یک حوزه تمدنی را در دوره خاصی از ایران نشان می‌دهد.

حب این نکته‌ای است که درمورد تأثیرات است و البته می‌شود خیلی صحبت کرد درمورد جزئیات. این کلیتی بود که به آن اشاره شد.

**◆ معماری و هنر سـاسـانی چه ویژگی‌های شاخصی دارد و چه بناهایی را می‌توان نام برد که معماری شاخص ساسانی دارند؟**

در ارتباط با دوره سـاسـانی هرچند دانش ما در زمینه ساخت‌وسازهای رایج در دوره سـاسـانی با کاستی‌ها و محدودیت‌های زیادی مواجه است و از سویی به هر حال بسـیاری از این بافت‌ها در بافت‌های دوره جدیدتر یعنی دوره اسـلامی قرار گرفتند و تغییر شـکل پیدا کردند یا از بین رفتنـد و به هر حال کاربری دیگری پیدا کردنـد و تاریخ‌گذاری بعضی از این بناها با مشـکلات جدی مواجه اسـت، اما در مجموع ما در دوره ساسانی اطلاعات قابل توجهی داریم.

در دوره سـاسـانی تعداد زیادی بنا داریم، کاخ‌ها را داریم، خانه‌های اشرافی را داریم، بناهای مذهبی را داریم، کلیسـاها را داریم. تعداد زیادی آتشکده داریم که این به هر حال از ویژگی‌های بارز معماری ساسانی است.

یکی از ویژگی‌های بارز معماری ساسانی استفاده گسترده از طاق و قوس است و به هر حال، طاق و قوس‌ها جهت مسقف‌کردن فضاها و بناهاست که به هر حال طاق‌هایـی که در این دوره، عمده طاق‌هایی که بـه کار رفته